# پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (سی و چهارم) دوشنبه ۱۳ عقرب ۱۳۴۷ ه ۴ نوامبر ۱۹۶۸ ع


م.ا. خیبر

## د بشر د حقوقو په کال کی

### د بشر د حقوقو وضعه

دملګروملتونوعمومی ټولنی تصمیم ونیوچه ۱۹۶۸ کال چه دبشر دحقوقو داعلامیی له شلمی کالیزه سره مصادف دی، دبشردحقوقو له شلمی کال په حیث اعلام کړی. په همدی منظور موافقه وشوه چه دبشر دحقوقو داعلامیی شلم کال دبشر دحقوقو په نامه په تهران ولمانځی.

دبشر دحقوقو داعلامیی لمانځنه او په هغی کی دټولو لاسلیک کرونکو هیوادنو ګډون، دا معنی لری چه هغوی د بشر د حقوقو د اعلامیی له مندرجو موادو سره موافقه لری.

ددی اعلامیی هرلاسلیک کوونکو هیواد، بین المللی تعهد لری چه په خپل مربوط قلمروکی دوګرو، مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی او کلتوری حقوقوته احترام وکړی. مګر په نوموړیوهیواد و کښی دبشر دحقوقو عملی تطبیق ته وکتل شی، په ښکاره لیدل کږی چه زیاته لاسلیک کونکی هیوادونو دخپلو تعهداتو په خلاف دبشر دحقوقو په اعلامیه کی ومطرحه حقوقواو آزادیو احترام نکوی. اوداهیوادو نه نه یوازی دخپلومربوطو سیمودوکړوپه مورد کی دهغی پیروی اومننه نکوی، بلکه دنورو هیوادو خلکو په حقوقو اوآزادیو باندی هم تیری کوی.

دامریکی متحده ایالاتو حاکمه محافل دبشر حقوقو داعلامیی لمرئی لاسلیک کونکی، دبشر دحقوقو داعلامیی په خلاف اودامریکی داستقلال داعلامیی پرضد تول افراد مساوی بولی اود ټولو ته بی له تبعیض نه دژوند حق، دآزادی حق او نیک مرغی دتعقیب حق منی نه یوازی دلس ګونو ملیونو تور پوستکو اوسره پوستکو اوتو لو مترقی عناصر وپه مورد کی له تبعیضی سیاست نه

(۳ مخ)

ببرک کارمل

## خواست‌های عمده و مبرم

### خلق‌های افغانستان و ایران

ایدئولوگ‌های بورژوازی ادعا می‌کنند که خصوصیت و نزاع بین ملل را نمی‌تواند از بین برد. گویا به عقیده آن‌ها عدم تساوی و دشمنی و نزاع بین ملت‌ها یک پدیده طبیعی و ابدی است و از خصوصیات ملی و نژادی آنان منبع می‌گیرد. ولی جهان بینی علمی نوین ثابت می‌کند که این عدم تساوی و خصوصیت ملی مصنوعی بوده و زائیده شرایط مادی است و ملت‌ها با تغیر و تحول بنیادی در شرایط زندگی مادی و اقتصادی که بر مبنای تغیر روابط تولیدی مترقی و نوین صورت می‌گیرد، می‌توانند با حقوق کاملاً متساوی ودر کمال صلح و صفا در همجواری هم زندگی کنند و با همکاری برادرانه اقتصادی، فرهنگی و روابط دوستانه سیاسی زندگی نوین و سعادتمندی را ایجاد نمایند.

واقعیت این است که استقرار روابط میان ملل، بخصوص ملل همجوار، در شرایط تسلط طبقه حاکمه فیودالی و سرمایه‌داری و نفوس استعمار و امپریالیزم بیشتر جنبه مصنوعی دارد، تا جنبه واقعی و عینی. امپریالیست‌ها همیشه سعی می‌ورزند تا حس تفوق طلبی ملی را تحریک، روحیه استثنا طلبی ملی را اشاعه و تضادهای ملی را تشدید کنند و اندیشه حاکمیت ملی را از محتوای عمده آن به خاطر تساوی حقوق ملل و اعتماد متقابل و دوستی و تعاون مشترک و برقراری تماس نزدیکتر خلق‌ها باهم مسخ نمایند.

بر مبنای احکام کلی فوق، اکنون با بازدید رسمی بشاغلی امیر عباس هویدا نخست وزیر ایران از افغانستان، این سؤال روز مطرح بحث قرار می‌گیرد که آیا ملل افغانستان و ایران می‌توانند در همجواری هم در صلح و صفا زندگی کنند و با همکاری برادرانه زندگی نوین و سعادتمندی را ایجاد نمایند، و خلق‌های هردو کشور باهم تماس نزدیک برقرار سازند؟

برای دادن پاسخ درست با این پرسش، قبل از همه باید فهمید که خواست‌های عمده و مبرم خلق‌های هردو کشور افغانستان و ایران درین مرحله تاریخی چیست و برای نیل به کدام اهداف علیه ارتجاع داخلی و امپریالیزم مبارزه می‌کنند.

خواست‌های عمده و مبرم دموکراتیک خلق افغانستان درین مرحله تاریخی قرار ذیل است:

**الف: خواست‌های عمده:** تشکیل و تکامل حکومت دموکراسی ملی که بنیاد سیاسی آن عبارت است از جبهه متحد دموکراتیک ملی همه نیروهای مترقی و وطن‌پرست که درراه تأمین استقلال کامل ملی، دموکراسی وسیع و حقوق و آزادی‌های وسیع دموکراتیک، و به سرانجام رساندن جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فیودالی مبارزه می‌کنند، بقایای استعمار کهن و نوین را محو و تسلط امپریالیزم را ریشه کن می‌سازد، تجار و نمایندگی انحصارات خارجی را طرد و تجارت خارجی را ملی می‌نماید، صنایع ملی و اقتصاد ملی را احداث می‌کند و کشور را صنعتی می‌سازد، مناسبات فئودالی را ملغی و اصلاحات اساسی ارضی را به شرکت همه دهقانان و به نفع دهقانان اجرا می‌نماید، سکتور دولتی اقتصاد را مطابق به پلان‌های علمی و متمرکز بسط و توسعه می‌دهد و راه رشد غیر سرمایه‌داری را اتخاذ می‌کند، سیاست خارجی مستقل و مترقی ملی و صلحجویانه را تعقیب می‌نماید و در راه ارتقای سطح زندگی خلق کارگر کشور، ترقی اجتماعی و رفاه و استقرار حقوق و اتحاد تمام خلق‌های وطن واحد افغانستان مجدانه می‌کوشد.

**ب: خواست‌های مبرم و فوری:**

_ تطبیق کامل آزادی‌های مطرح در قانون اساسی، آزادی قانون احزاب و سازمان‌های دموکراتیک حرفوی، صنفی و اقتصادی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، زنان، جوانان، محصلان، و دیگر قشرها و صنوف روشنفکران، آزادی مطبوعات، بیان

(ص ۳)

## متن قطعنامه محصلان پوهنتون

### کابل

کابل

از آنجایی که اشتراک در تنظیم حیات ملی و استفاده از ارزش‌های مندرج قانون اساسی وظیفه و حق هر افغان است، روی این ملحوظ هیچ قانونی مغایر با قانون اساسی حق ما را سلب نموده نمی‌تواند.

قانون موجود معارف و پوهنتون‌ها که با اساس فرمان تقنینی نافذ گردیده نه تنها در محتوی خود پر از تناقضات هستند بلکه ضد آزادی‌های مندرج در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز می‌باشد.

این قوانین عملاً باعث ایجاد اوضاع نامطلوب در محیط معارف و پوهنتون‌ها می‌گردد زیرا نمی‌توان نیازمندی‌های علمی، مادی و معنوی محصلان؛ استادان، معلمان؛ متعلمان و سایر منسوبان معارف و پوهنتون، و توسعه و انکشاف علم و فرهنگ را در کشور تأمین نماید.

رفتاری که بنا بر احکام قانون معارف و پوهنتون در برابر همه منسوبان معارف و پوهنتون می‌شود عملاً مایه تشویش‌شان است.

نکات عمده‌ای که مورد تشویش و انتقاد جدی در قانون معارف و پوهنتون‌ها ست و باید بر حسب ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی تعدیل گردد قرار آتی تذکر داده می‌شود:

_ از آنجایی که ماده چهارم قانون پوهنتون‌ها «پوهنتون محیط ایست علمی، تحریکات سیاسی و حزبی در ساحه پوهنتون ممنوع است» و متون مواد یازده «شاگردان در فعالیت‌های سیاسی، حزبی و مظاهرات سهم گرفته نمی‌توانند» و چهل‌وهفت «معلمان و معلمات و استادان پوهنتون و کارمندان اداری مکاتب در فعالیت‌های حزبی و مظاهرات شرکت کرده نمی‌توانند» قانون معارف مغایر آزادی‌های مصرح در قانون اساسی است. «ماده سی و یک که می‌گوید آزادی فکر و بیان از تعرض مصئون است... و مادهٔ سی و دو که می‌گوید اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح‌آمیز بدون حمل سلاح و بدون اجازهٔ قبلی دولت مطابق به احکام قانون اجتماع نمایند... »باید حذف گردد.

- در ماده اول قانون پوهنتون‌ها تذکر رفته که پوهنتون یک موسسهٔ علمی دولتی است و تحریکات سیاسی در ساحهٔ آن مجاز نیست حالان که یک مطالعه سطحی این قانون می‌رساند که چون شورای عالی یعنی یگانه مرجع باصلاحیت و مقتدر در پوهنتون یک شورای عالی حزبی می‌گردد و به نفع حکومت «حزب بر سر اقتدار» عمل خواهد کرد چه واضح است که سه عضو وزیر در شورای عالی و رئیس پوهنتون از سر برآوردگان حزب بر سر اقتدار بوده و چهار عضو دیگر نیز، چون از طرف شخص وزیر معارف که یک نفر حزبی خواهد بود تعین می‌گردد به‌صورت غیرمستقیم حزبی خواهد شد. پس ماده اول قانون پوهنتون‌ها عملاً به نفع حکومت و حزب بر سر اقتدار بوده وهمان تحریکاتی را که منع می‌دارد برای خود مجاز قرار داده است و این امر تناقض صریح را در نفس قانون پوهنتون‌ها به وجود آورده است.

_ برحسب دیباچهء قانون اساسی تعمیم مؤسسات دموکراسی وظیفه دولت است حالان که قانون پوهنتون‌ها یا انتصابی ساختن شورای عالی و روسای پوهنځی ها عملاً این وظیفه خود را انجام نداده بلکه آن را نفی کرده است. و این یک تخطی صریح از ترویج بیشتر دموکراسی سیاسی است چه حق انتخاب کردن را از استادان پوهنتون سلب می‌نماید.

_ ماده سی و سوم قانون پوهنتون‌ها و فقرات الف و ب مادهء سی و دوم قانون معارف که در آن‌ها از گنجایش و

(ص ۴)

## اعتصاب عمومی محصلان پوهنتون کابل

**از روز شنبه (۴ عقرب) به این طرف تمام محصلان پوهنتون کابل به شمول پولی تخنیک، به خاطر اعتراض علیه قانون پوهنتون‌ها و بهبود شرایط تحصیلی و دفاع از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک به اعتصاب عمومی دست زده‌اند.**

**در جریان اعتصاب همه روزه میتینگ‌های چند هزار نفری محصلان درباره تعدیل قانون پوهنتون‌ها و معارف مطابق به ارزش‌های قانون اساسی و ضرورت اتحاد و همبستگی در راه رسیدن به هدف بیانیه‌های مستدل علمی ایراد می‌نمایند. اعتصاب و میتنگ، تاکنون که این خبر رابه نشر می‌سپاریم، علی رغم تفتین و اخلال گری عناصر مرتجع و ماجراجو در چوکات نظم آگاهانه و وحدت و همبستگی ادامه دارد.**

**محصلان به روز دوشنبه (۶ عقرب) در یک میتنگ عمومی با اکثریت آرای نزدیک به‌اتفاق فیصله کردند تا اعتراض نامه‌یی (قطعنامه‌یی) به ولسی‌جرگه و ستر محکمه ارسال دارند و برای این منظور باید ازهر پوهنځی (فاکولته) دو نماینده به شیوه دموکراتیک انتخاب گردد، تا مسوده قطعنامه را تهیه و بعد از تصویب در میتنگ عمومی محصلان به مقامات مربوط فرستاده شود. طبق این فیصله بروز پنجشنبه (۹ عقرب) قطعنامه‌یی با اکثریت نزدیک به‌اتفاق محصلان پوهنتون کابل مورد تصویب قرار گرفت، که متن کامل آن درین صفحه به خوانندگان ارجمند پرچم تقدیم گردیده است.**

**روحیه همبستگی، اتحاد، نظم و ارائه پیشنهادها و نظریات مستدل، منطقی، علمی و برخورد دموکراتیک و اصولی محصلان آگاه وطن‌پرست و ترقی‌خواه پوهنتون کابل در جریان اعتصابات عمومی و میتینگ‌های شان، به خاطر دفاع از حقوق صنفی، تأمین شرایط بهتر تحصیلی وزندگی و کار و آزادی‌های دموکراتیک مورد تقدیر و ستایش همگان قرار گرفته است.**

سلطان علی کشتمند

## نگاهی به پلان‌های اقتصادی افغانستان

### و اصول پلانگذاری علمی

کشورهای جوان آسیایی و افریقایی پس از حصول استقلال سیاسی در اثر مبارزات طولانی، در برابر مشکلات عظیم اقتصادی و سطح فوق‌العاده نازل نیروهای مولده و سویه حیات قرار گرفتند که هرگاه نخواهند کشور و مردم خود را برای ده‌ها سال دیگر محکوم به عقب ماندگی، فقر و گرسنگی سازند، باید رشد اقتصادی را تحت رهنمایی و کنترول درآورند.

کشورهای کم رشد با مشاهده موفقیت پلان‌های اقتصادی کشورهای سوسیالیستی و تجارب وسیع حاصله توسط این کشورها، در سازماندهی اداره امور اقتصادی، به‌منظور تأمین رشد سریع اقتصادی به‌سوی طرح و تنظیم پلان‌های اقتصادی و اجرای آن‌ها گرائیده‌اند. امروز پلان گذاری اقتصادی به پیمانه روزافزونی در برخی از کشورهای آسیائی و افریقایی مانند جمهوری متحد عربی، الجزایر، برما و غیره مورد عمل قرار می‌گیرد.

**نگاهی مختصر به پلان‌های اقتصادی افغانستان:**

در افغانستان نیز در اثر مبارزات دیرینهٔ مردم برای تأمین یک زندگی بهتر و بنا بر شرایط بالنسبه مساعد داخلی و خارجی، دولت مجبور گردید به تنظیم پلان‌های طویل‌المدت اقتصادی دست بزند. اولین پلان پنج ساله در سال ۱۳۳۵ باعجله و شتاب طرح و به تعقیب آن پلان پنج‌ساله دوم نیز اجرا گردید.

گرچه به مقایسه سال‌های قبل از پلان، در اثر تطبیق دو پلان پنج‌ساله رشد نسبی اقتصادی به وجود آمد و کارهایی در زمینه ساختمان بنیان جامعه، بخصوص با کمک‌های اقتصادی و فنی همسایه و دوست اتحاد شوروی صورت گرفت، ولی از امکانات وسیع که پلان گذاری می‌تواند جهت رشد سریع اقتصاد و فرهنگ جامع به وجود بیاورد و همچنین از منابع مالی، مواد و کار، بنا بر مناسبات فرتوت فئودالی، نفوذ تاجران بزرگ دلال و نمایندگی انحصارات امپریالیستی و ماهیت ارتجاعی بیروکراسی فاسد در کشور و استفاده صحیح به عمل نیامده که می‌توانیم نواقص عمده در کار طرح و تطبیق پلان‌ها را در افغانستان به شکل فورمولبندی شده زیرین بشماریم:

_ اداره امور پلانگذاری نه تنها باید پلان‌ها را طرح نماید، بلکه باید بکوشد که آن‌ها را به تحقق نیز برساند. گرچه دو پلان پنج ساله گذشته و بخصوص پلان پنج ساله ء دوم با وصف عدم موجودیت حقایق و ارقام لازمه، بر طبق نیازمندی‌های خیلی ضروری کشور با در نظر گرفتن شرایط مشخص جامعه و مشکلات فراوان، به کمک متخصصین امور پلانگذاری شوروی طرح شده بود، اما در عمل قسمتی از پیش‌بینی‌های ممکنه آن در اثر موجودیت نظام اجتماعی_ اقتصادی فرتوت فیودالی و بیروکراسی فاسد تحقق نیافت.

_ بنا بر ترکیب طبقاتی هیأت حاکمه، سیاست اقتصادی و تمایلات درونی آن‌ها به نفع ملاکین بزرگ فیودال و سرمایه‌داران دلال امپریالیزم، پلانگذاری مستدل و علمی و اجرای آن روز به روز در افغانستان به مشکلات بیشتری مواجه می‌گردد که این امر با پیش گرفتن سیاست اقتصادی نادرست و ارتجاعی در

(ص ۳)

## قطع بمباردمان

### ویتنام شمالی

**حکومت امریکا تصمیم گرفت بعد از سه سال و ۹ ماه حملات هوائی بر ویتنام شمالی، فروریختن هزاران تن بمب، و ویران کردن هزاران خانه و صدها مکتب، شفاخانه‌ها فابریکه و مزارع در ویتنام شمالی، کشتن و زخمی نمودن هزاران نفر طفل، مرد و زن و بالاخره پس از دست دادن (۳۲۴۰) طیاره بر فراز آن کشور، بمبارمان ویتنام شمالی را از هوا، زمین و بحر قطع نماید.**

**هفته گذشته جنگ و خونریزی بشدت ادامه داشت. در یک محاربه بین پارتیزان‌ها و قوای امریکا در نزدیکی دانانگ رخداد ۲۰۰ نفر از عساکر امریکا به قتل رسیده و دو کشتی باربردار آن غرق شد.**

**پارتیزان‌ها دریک حمله شدید یکی از محابس ویتنام جنوبی را اشغال و ۴۲۰ نفر از ویتکاگ‌ها را نجات دادند. در جنگ دیگری که در ۱۴ کیلو متری جنوب غرب سیگون رخداد به هردو طرف تلفات سنگینی رسیده است.**

**چهار پایگاه دیگر امریکایی تحت آتش شدید قرار گرفت و خسارات زیادی برداشت.**

هیئت تحریر پرچم مطبوعات را در قید نگذاشته اند

از آثار مترقی

# تیوری علمی تکامل اجتماعی

از آنجائی که انسان در جامعه زندگی می‌کند و توسط رشته‌های متعددی با آن مربوط است و نمی‌تواند نسبت به سرنوشت جامعه و طرق تکامل آن بی‌علاقه بماند، از دیرزمانی بدین طرف مسیل اجتماعی مورد بحث دانشمندان قرار گرفته است. دانشمندان قرن ۱۸ فرانسه و کشورهای دیگر اروپائی یک سلسله افکار درستی درباره تکامل اجتماع ابراز داشته بودند بدین معنی که: انسان، نظریات و رفتار او نتیجه تأثیر محیط اجتماعی است، همچنین نظریاتی درباره نقش اقتصاد در تکامل اجتماعی، درباره آشتی ناپذیری منافع طبقاتی استثمار گران و استثمار شوندگان، درباره خصلت طبقاتی فلسفه، ادبیات هنر و غیره از طرف ایشان ابراز گردیده بود که برای زمان خود نظریات عمیقی بود، ولی بنا بر درک آیدیالیستی از جامعه ازین نظریات در تحلیل آخری نتایج اشتباه آمیزی استخراج می‌گردید.

جامعه شناسان قبل از بنیاد گذاران بزرگ جامعه شناسی نوین و تیوری جدید تکامل اجتماعی (ماتریالیزم تاریخی) قادر نبودند دیالکتیک جریان تاریخی را درک نمایند. در نظر آن‌ها تاریخ مجموعه حوادثی بود که با یکدیگر ارتباط نداشتند. آن‌ها با شیوه تفکر خود نمی‌توانستند به وحدت و تمامیت زندگی اجتماعی و انگیزه‌های واقعی حوادث تاریخی و سرچشمه‌های مادی این حوادث پی ببرند.

در تیوری جدید تکامل اجتماعی نقایص جامعه شناسی قبلی برطرف شد، مسأله اساسی فلسفه در انطباق با جامعه به‌درستی حل گردید و حکم اساسی و عمده این تیوری چنین بیان گردید: **زندگی اجتماعی تعین کننده شعور اجتماعی است**. زندگی مادی جامعه، بخصوص فعالیت تولیدی مردم است، یعنی آن روابط اقتصادی که در جریان تولید میان انسان‌ها به وجود می‌آید. **شعور اجتماعی** عبارت از زندگی معنوی مردم است یعنی افکار، تیوری ها و نظریاتی است که انسان‌ها در فعالیت عملی خود آن‌ها را رهنما قرار می‌دهند. نظر مقدم بودن زندگی اجتماعی بر شعور اجتماعی ازاینجا ناشی می‌شود که انسان‌ها قبل از آنکه به علم، هنر و فلسفه به پردازند، باید بخورند و بنوشید، بپوشید و مسکن داشته باشند. برای این امر لازم است زحمت کشید و نعم مادی را تولید کرد.

تیوری جدید تکامل اجتماعی بیان می‌دارد که مناسبات تولیدی و اقتصادی در میان مجموع مناسبات اجتماعی دارای نقش عمده و تعین کننده است. بر اساس این نتیجه گیری مفهوم **صورت‌بندی اجتماعی ـ اقتصادی** که یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مفاهیم این تیوری است، فورمولبندی گردید.

صورت بندی اجتماعی_اقتصادی عبارت از مجموعه پدیده‌ها و جریانات اجتماعی (اقتصادی، آیدیولوژیکی، خانوادگی و غیره) است که اساس آن‌ها را نوعی معینی از روابط تولیدی و اقتصادی انسان‌ها تشکیل می‌دهد. تکامل جامعه عبارت است از اینکه یک صورت بندی اجتماعی-اقتصادی طبق قوانین معین جای خود را به صورت‌بندی دیگری که تکامل یافته تر است می‌دهد. حرکت مترقی تاریخی بشریت حرکت از صورت‌بندی (فرماسیون) کمون اولیه بردگی و سپس از بردگی به صورت‌بندی فیودالی و بعد به سرمایه‌داری و بالاخره به سوسیالیزم است.

با ایجاد تیوری تکامل اجتماعی نشان داده شد که **آفرینندگان واقعی تاریخ، توده‌های خلق و زحمتکشان** می‌باشند. تمام ارزش‌های مادی لازم در اثر کار و زحمت میلیون‌ها انسان ساده به وجود می‌آید. این تئوری به اثبات رساند که تاریخ دیگر عبارت از مجموعه‌های حوادث پراگنده و بدون ارتباط نیست، بلکه جریان منظم و مرتبطی است که بر طبق قوانین دیالکتیک صورت می‌گیرد

**موضوع تیوری جدید تکامل اجتماعی:**

موضوع تئوری جدید تکامل اجتماعی را مطالعه جامعه و قوانین تکامل آن تشکیل می‌دهد. این قوانین مانند قوانین تکامل طبیعت عینی است یعنی مستقل از شعور انسان می‌باشد و قابل شناخت است. بین قوانین زندگی اجتماعی و قوانین طبیعی در پهلوی وجوه مشترک آن‌ها تفاوت‌هایی ازنظر ماهیت وجود دارد.

قوانین زندگی اجتماعی که موضوع مطالعه تیوری علمی تکامل اجتماعی است، توسط علوم اجتماعی دیگر مانند اقتصاد سیاسی، تاریخ، زیبایی شناسی و غیره مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ اما هریک ازین علوم جامعه را از یک جهت مشخص در نظر گرفته و تعداد معینی از پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کند، مثلاً موضوع مطالعه اقتصاد سیاسی روابط تولیدی و اقتصادی انسان‌ها می‌باشد، تاریخ تکامل جامعه را در دوره‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد، موضوع بحث زیبایی شناسی هنر می‌باشد و غیره.

تیوری علمی تکامل اجتماعی، بر عکس علوم اجتماعی مشخص به مطالعه عمومی‌ترین قوانین تکامل جامعه می‌پردازد، این تیوری که جزء لاینفک جهان بینی علمی می‌باشد، پدیده‌های حیات اجتماعی را به‌طور دیالکتیکی و علمی تفسیر می‌نماید. مسایل عمده و مهم تکامل تاریخی راحل می‌کند. و امکان درک این مسأله را به وجود می‌آورد که خلق و شخصیت‌های اجتماعی در تاریخ چه نقشی دارند. طبقات و مبارزه طبقاتی چطور پدید آمد، دولت چطور پیدا شد، انقلابات اجتماعی چرا واقع می‌شود و مسایل عمومی دیگر از تکامل جامعه...

از مطالب گفته شده در بالا بر می‌آید که بدون تیوری جدید تکامل اجتماعی، یعنی بدون شناسایی قوانین کلی اجتماعی، هیچ علم اجتماعی مشخص نمی‌تواند تکامل نماید، چه این تیوری اسلوب تحقق علوم اجتماعی دیگر را به وجود می‌آورد و به مورخین، اقتصاددانان و دانشمندان در امر تعین مقام و اهمیت هریک ازین علوم در میان مجموعه پدیده‌های اجتماعی کمک می‌کند.

شناخت قوانین ماتریالیزم تاریخی این امکانات را به وجود می‌آورد که نه تنها پدیده‌های مغلق زندگی اجتماعی مورد بررسی و تفسیر قرار می‌گیرد بلکه حیات اجتماعی به نفع زحمتکشان تغیر یابد. پدید آمدن تغیر در حیات اجتماعی بر طبق قوانین تکامل جامعه، عبارت از تحقق ضرورت تکامل تاریخی بشریت می‌باشد.

**ضرورت تاریخی و آزادی انسان:**

ضرورت تاریخی از ارتباط داخلی پدیده‌های اجتماعی، بر طبق قوانین معین به وجود می‌آید و اجباراً به وقوع می‌پیوندد، یا باید واقع گردد مثلاً تولید مادی از روی ضرورت تعین کننده تمام جوانب زندگی اجتماعی می‌باشد، یا تعویض یک نظام اجتماعی به‌نظام اجتماعی دیگر و وقوع انقلابات اجتماعی یک ضرورت تاریخی است.

انسان نمی‌تواند قوانین تکامل جامعه را لغو کند و قوانین جدیدی بیافریند، ولی قادر به شناخت قوانین تکامل جامعه و ضرورت تاریخی می‌باشد وبر اساس این شناسایی فعالیت آگاهانه‌ای را در امر تکامل اجتماعی می‌تواند انجام دهد.

آزادی انسان در شناخت ضرورت تاریخی و استفاده از آن به نفع انسان و رفع نیازمندی‌های آن است، باید در نظر داشت که آزادی انسان به معنی استقلال از قوانین طبیعت و جامعه نمی‌باشد، چه چنین استقلالی واقعیت عینی ندارد و خیالی بیش نیست.

آزادی درنتیجه تکامل طولانی تاریخی به وجود می‌آید، یعنی انسان متناسب با پیشرفت علوم و تولید بر طبیعت چیره شد، با شناسایی قوانین عینی ضرورت تاریخی را مندرجا تحت اراده خود قرار داد و خود را از تأثیر جریانات نامطلوب طبیعت آزاد ساخت؛ اما این آزادی به معنی تسلط مطلق در هر گونه شرایط بر جریانات اجتماعی نمی‌باشد، مثلاً در جامعه سرمایه‌داری انسان دست‌خوش تصادفات بوده و قانون انارشی و رقابت تولید سرمایه‌داری امکان تنظیم فعالیت تولیدی را طبق پلان قبلی از میان بر می‌دارد.

فقط با پدید آمدن مناسبات نوین تولید (مناسبات سوسیالیستی) برای اولین بار امکانات واقعی جهت تسلط بر ضرورت تاریخی و نیل به آزادی حقیقی به وجود آمد ودر نتیجه انسان امکان آن را به دست آورد که با استفاده آگاهانه ازین قوانین حیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه را رهبری نماید، با بسط و گسترش وسیع‌تر و عمیق‌تر این مناسبات حرکت بزرگی از جهان ضرورت به‌سوی آزادی انسان به عمل می‌آید و بیشتر و همه جانبه‌تر می‌شود.

اصل آزادی زبان عبارت از آن است که تمام مردم حق داشته باشند به زبان مادری و مروج خود حرف بزنند، علم بیاموزند، نشرات نمایند، مکاتبه کنند و در محاکم از خود دفاع نمایند. از نظر پرنسیپ نمی‌توان هیچکسی را اجباراً وادار به آموختن تکلم و نوشته به زبان دیگری نمود (غیر ازآنچه که ماهیت تعلیمی دارد و در اینجا موضوع بحث ما نیست).

در شرایط تسلط استعماری و در تهاجمات سابق چنین مرسوم بود (حتی تاکنون به اشکال مختلف در جوامع طبقاتی معمول است) که وقتی یک ملت یا قوم تحت تهاجم ملت و یا قوم حاکم قرار می‌گرفت، زبان مادری و فرهنگ ملی ملت یا قوم تحت ستم مورد تحقیر قرار گرفته و کوشش می‌شد که به‌زور سر نیزه محو شود و لسان ملت یا قوم ستمگر برایشان تحمیل گردد، تمام دوایر حکومتی، دفاتر مالیاتی واداری، محاکم و مکاتب به آن لسان برگردانده شود. مقرر می‌گردد که نامه‌ها، مکاتیب عرایض به ادارات مقامات رسمی به زبانی که مردم به آن هیچ آشنایی نداشتند تحریر یابد و حتی مردم وادار گردند که جبراً به آن تکلم نماید. همچنان از طرف ملیت‌ها و اقوام حاکم در درون جامعه نیز بر ملیت‌ها و اقوام دیگر و اقلیت‌ها که دریک سرزمین مشترک و مادری بسر می‌برند، رویه بدتر از آن صورت می‌گرفت.

پرواضح است که این رویه ظالمانه علاوه بر استخفاف بزرگی که بر ملل محکوم بود، باعث آن می‌گردید که تمام غنای علم و فرهنگ ملل و امکانات انکشاف آن از میان برود و یا لطمه سنگینی بر آن وارد آید تا در همان مراحل ابتدایی خود باقی بماند، بسیار استعدادهای پر نبوغ اقلیت‌ها و ملت‌های ستمدیده و محکوم، در نطفه محو کردد.

نمونه‌هایی از چنین فشارها و ستمگری‌های ملی در تاریخ و حال زیاداست، که به‌طور مثال می‌توان فجایع و بدبختی‌هایی را که ستم استعمار انگلیس بر مردم هند و پاکستان تحمیل کرد، از رشد و انکشاف السنه ملی جلوگیری نمود و در عوض آن نفاق‌های ملی و لسانی را دامن زد، یادآوری نمود که امروز جامعه هند از ناحیه لسان‌ها و صورت حل این مسأله مواجه به مشکلات عظیمی می‌باشد.

فشارها و محدودیت‌هایی که از ناحیه لسان بر مردم واقع می‌گردد نه تنها مانع توسعه و انکشاف و غنای علمی فرهنگی جامعه می‌شود، بلکه موجب برهم خوردن شیرازه وحدت یک کشور و جامعه نیز شده می‌تواند و این حقیقتی است برخلاف این عقیده که ترویج و تبلیغ می‌گردد: گویا عدم تساوی زبان‌ها و تبعیض در برابر بعضی از آن‌ها، امر طبیعی و ضروری برای حفظ تمامیت و وحدت ملی دریک کشور می‌باشد.

با استفاده ازین نظر و استنباط غلط، توسط محافل عناصر محاکم ارتجاعی کوشش می‌شود که تمام قدرت و وسایل دست داشته، فرهنگ زبان و خصوصیات ملی یک ملت، میلت یا یک قوم سرکوب گردد. بدین‌جهت است که مسأله آزادی ملت‌ها از یوغ استعمار، ستم و استبداد و وابستگی‌های گوناگون بر اساس حق تعین سرنوشت ملل به‌صورت یک مسئله حاد و اوج گیرنده جهان امروزی درآمده است.

ایدئولوگ‌های مرتجع و بورژوازئی سعی می‌ورزند که حل مسئله ملی را به‌صورت غلط و به اشکال کهنه آن تبلیغ نمایند، زیرا مصالح و دوام حاکمیت طبقات حاکمه را در آن می‌بینند، ولی جهان بینی علمی و نوین ثابت می‌سازد که طبیعی بودن عدم تساوی میان ملل و خصومت ملی ادعائیست بی‌پایه و امریست مصنوعی که زائیده شرایط ناجور اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. ملت‌ها و اقوام از نژادهای مختلف می‌توانند با وارد آمدن تحول کیفی و بنیادی در زندگی مادی و اقتصادی ایشان که بر پایه تغیر در روابط تولیدی بسود طبقات محروم جامعه

آسه مایی از حقوق دموکراتیک مردم

# آزادی لسان

صورت می‌پذیرد، با حقوق کاملاً مساوی. درحالی‌که فرهنگ و لسان ملی‌شان پیوسته تکامل اختیار می‌نماید، در کمال صلح و آرامش و وحدت و هماهنگی در کنار هم، دریک وطن به سر برند.

آنچه را ایدئولوگ‌های مرتجع و بورژوازئی ادعا می‌نماید که مسأله ملی و لسان حل ناشدنی است و خصومت ملی پابرجا می‌ماند، تا آنجا صحیح است که سیستم‌های مبتنی بر طبقات و استثمار انسان از انسان باقیست و مصداق آن تمام جهان کهنه و جوامع طبقاتی می‌باشد، ولی این مسأله در جوامع نوین بری از هرگونه ستم و استثمار انسان از انسان، راه حل معقول و منطقی را به خود یافته است، شکل جدید از روابط و همکاری ملل پدید آمده و تساوی واقعی بین آن‌ها به تحقق پیوسته است.

نظام‌های نوین مترقی در جهان عملاً به اثبات رساند که راه حل منطقی این مسئله این است که اسارت اقتصادی و سیاسی از میان مردم برداشته شود، حقوق مساوی برای تمام مردم تأمین، لسان و فرهنگ آنان، بدون اینکه از هم جدا شوند، احترام و تقویت گردد. و البته این امر موجب آن می‌شود تا مردم داوطلبانه متحد شوند و مسایل بغرنجی را متفقاً حل نمایند. برین اساس بقایای قبایل و اقوام منفرد و عادات قبیلوی و قومی از میان می‌رود و فرهنگ‌های ملی که محتوای آن‌ها مترقی می‌باشد، رشد می‌کند استعداد و قریحه ملی و لسانی دریک وطن مشترک پرورش می‌یابد.

تا اینجا مطلب عمومیاتی بود که تذکرات مختصری از آن داده شد و حال باید دید که وضع لسان‌ها در کشور ما ازچه قرار است:

در کشور عقب مانده ما، زبان‌های متعددی موجوداست که مردم به آن‌ها مکالمه می‌نمایند. تمام خلق‌های کشور با وصف داشتن لسان‌های جداگانه مشترکاً رنج و بدبختی را متحمل شده‌اند و در مبارزات علیه بیگانگان و مهاجمین دوش بدوش هم از وطن دفاع کرده‌اند. ولی استعمار و طبقات حاکمه ارتجاعی در طول تاریخ کشور با ایجاد کینه و خصومت میان خلق‌های زحمت کش وطن کوشش کرده‌اند که از اتحاد و وحدت آن‌ها جلوگیری نمایند. زمانی اختلافات

(ص ۴)

از (ص اول)

# خواست‌های عمده ...

و گفتار، انتخابات و تظاهرات، اعتصابات و غیره حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، تشکیل جرگه‌های ولایتی تا دهات و تأمین حقوق فرهنگی و سیاسی تمام خلق‌ها و اقوام کشور بدون هیچگونه تبعیض، تأمین حقوق اجتماعی و سیاسی زنان، حل فوری مسئله کوچیان و قبایل، اصلاحات دموکراتیک دستگاه اداری، اقتصادی، مالی، تجاری، قضائی، فرهنگی و غیره طرد استبداد از کشور، استقرار عادلانه سطح قیمت‌ها و افزایش غله در کشور.

_ پیروی از سیاست بی‌طرفی مثبت بر مبنای اصول همزیستی مسالمت آمیز و ضدیت علیه پکت‌های نظامی سنتو، سیاتو در همجواری افغانستان و سایر پکت‌های منطقوی اسارت آور، دفاع پیگیر از جنبش‌های آزادی‌بخش ملی پشتونستان و بلوچستان و تمام جنبش‌های ملی و مترقی و توسعه روابط افغانستان با کشورهای سوسیالیستی و ملی و ضدیت با تجاوز، استعمار کهن و نوین و امپریالیزم و دفاع پیگیر از صلح جهانی.

خواست‌های عمده و مبرم دموکراتیک و ملی خلق ایران قرار آتیست:

**الف: خواست‌های عمده:**

استقرار یک حکومت ائتلافی ملی و دموکراتیک که می‌تواند همه نیروهای مترقی و تحول طلب را تحت رهبری یک جبهه واحد برای اجرای وظایف عمده زیرین متحد سازد:

تأمین استقلال سیاسی اقتصادی، اجرای قانون ملی کردن نفت و کوتاه کردن دست سرمای غارتگر امپریالیستی از صنایع ایران، اتخاذ سیاسی بی‌طرفی، تأمین آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک به‌مثابه عمده‌ترین خواست‌ها، اجرای اصلاحات رادیکال، بسط و تقویت بخش دولتی و اتخاذ راه رشد غیر سرمایه‌داری، صنعتی کردن کشور، ارتقای سطح زندگی زحمت کشان و تأمین ترقی همه جانبه و تأمین حقوق حقه خلق‌ها و اقلیت‌های ملی در چارچوب وطن واحد ایران...

**ب: خواست‌های مبرم وفوری:**

علاوه به نیل به هدف‌های مبرم و زیرین خواست‌های فوری ملت برادر ما ایران بشمار می‌رود.

علنی شدن کلیه احزاب ملی دموکراتیک؛ عفو عمومی زندانیان و تبعیدیان سیاسی، تأمین امکان بازگشت کلیه پناهندگان سیاسی از خارج ایران، بسط فعالیت‌ها و آزادی‌های سندیکائی، اجرای قوانین پیگیر اصلاحات و رفورم‌ها، خروج ایران از پیمان سنتو و قرارداد دوجانبه و اتخاذ سیاست بی‌طرفی، بسط روابط ایران با کشورهای سوسیالیستی و ملی، تأمین حقوق ایران در مورد نفت، و اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت، تأمین همبستگی ایران و جنبش‌های مترقی ملی کشورهای عربی، تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و تامیم حقوق فرهنگی خلق‌های ایران.

اکنون به‌صراحت پاسخ می‌دهیم که تنها در صورت تحقق خواست‌های خلق‌های زحمت کش آزاده و برادر دو کشور هم‌جوار افغانستان و ایران در رشته مناسبات داخلی و خارجی می‌توان مناسبات واقعی برادرانه و نیرومندی را بین افغانستان و ایران بر بنیاد اصول نوین استوار ساخت. تجربه مبین این حقیقت است که استقرار مناسبات صرفاً هیأت‌های حاکمه کشورها بدون خواست‌های خلق و پیوند با خلق سست بنیاداست. باید خاطر نشان ساخت تا که امپریالیزم، این دشمن آشتی ناپذیر خلق‌ها، در جهان وجود دارد و دول ذیعلاقه در مناسبات بین‌المللی به‌مثابه هواداران آن عمل می‌کنند، تعقیب مشی مستقل ملی در سیاست خارجی امکان پذیر نمی‌باشد؛ زیرا امپریالیزم بین کشورها مناسباتی جز تسلط و تبعیت و ستم اقویا بر ضعفا قایل نیست، باید جدا در نظر داشت که امپریالیزم بعضی وقت در کشورهای دارای سیاست بی‌طرفی به‌صورت غیرمستقیم، از طریق هواداران و کشورهای وابسته خود در قید پیمان‌های منطقوی نظامی و اقتصادی‌اند اعمال نفوذ کرده وسعی می‌نماید تا این کشورها را نیز در اقتصاد سرمایه‌داری و امپریالیستی حفظ کند و نابرابری حقوق آن‌ها را در داخل این نظام استثمارگر استقرار بخشد. امپریالیست‌ها تلاش می‌ورزند با توسل به شیوه‌های نو با اشکال تازه «وظریفانه »با استثمار استعمار ملل ادامه دهند.

اکنون سؤال دیگری در اینجاست که آیا طرح مناسبات «جدید »بین افغانستان و ایران بخصوص بدین جهت که هیأت حاکمه ایران جانب داری خاصی را در سیاست خارجی خود خاصتاً شرق میانه تعقیب می‌کند، چگونه بر ملاک منافع ملی ما «تنظیم »شده می‌تواند؟

بهتر آن خواهد بود که پاسخ سؤال خود را از طریق طرح سؤال‌های دیگری در معرض قضاوت نیروهای ملی، دموکراتیک و ترقی‌خواهان وطن‌پرست بگذاریم، تا حقایق روشن گردد. در هر حال طرح سؤال‌های زیرین به هیچ صورت مانع تعقیب سیاست فعال و پیگیر و (و مطابق به اصول همزیستی مسالمت آمیز) در جهت بهبود و توسعه مناسبات با کشور هم‌جوار ما ایران، به‌منظور تأمین صلح درین منطقه جهان بوده نمی‌تواند. ما معتقدیم که پیروی از سیاست مسالمت آمیز «که معطوف بر ضد ارتجاعی‌ترین و جنگ‌طلب‌ترین نیروهای امپریالیزم می‌باشد، مبنای نظرش احترام به حقوق هریک از ملت‌ها در مورد این است که شخصاً رژیم اجماعی و دولتی دلخواه را انتخاب نماید...»

سؤال‌ها بدین ترتیب طرح می‌گردد:

_ آیا ایران در پیمان تجاوز کار سنتو در همجواری افغانستان و در پیمان عمران منطقوی (آر، سی، دی) که پاکستان عضو هردوی آن است قرار ندارد؟ بنا بر این مسئله پشتونستان و مقام سیاست بی‌طرفی افغانستان لطمه نمی‌بیند؟

در اعلامیه مشترک افغانستان و ایران نخست وزیر ایران در باره سیاست بی‌طرفی وعدم الحاق

(ص ۳)

دستگیر پنجشیری

# زمونږ د هیواد زړور

## او زیارایستونکی بلوځان

ډیری پیړی تیر شویدی چه زمونږ دهیواد زړور بلوځ خلک، دافغانستان په جنوب غربی ځنډه کښی خپل لرغونی او له ویاړه ډک سنن، اوزمونږ دواحد هیواد افغانستان ارضی تمامیت او ملی استقلال ساتی.

بلوځی ژوبه اود بلوځانو کلتور په خپله مجموع کښی دافغانستان دملی ثقافت دغنی خزانو اوتاریخی میراثونو یوه ښکلی یه زړه پوری برخه ده.

غیرتی بلوځانو دنمروز په ولایت کښی اوسیږی یعنی په هغه ځمکه کښی چه زمونږ دلرغونی تاریخ دقهرمانانو اوپهلوانانو زیږند ځای و زمونږ دپخوا نیو مبارزانو زانګوده.

زمونږ هیواد زړور اوزیار ایستونکی نسلو نو داخلاقی شهامت اورشادت ترټولو عالی میراثونه وړی دی.

زمونږ دهیواد زړه ور اوزیار ایستونکی بلوځان، دلاش جوین، قلعه فتح، کنګ اوچهاربرجک په سیمو کښی اوسیږی اوداسیمی دهیواد ډیری زرخیزی سیمی بلل شودی.

دوی پدی سیمو کښی تر قبیلوی او طایفوی شرایطو لاندی اوپه زړو ارباب رعیتی اوملوک والطویفی مناسباتو کښی دمحلی فیوډالونو تر منګلو لاندی ژوند کوی.

دنیمروز دولایت زیار استونکی بلوځان، دتولیدی له هر راز وسائلونه محروم دی، اوزیادتره په تودودښتو او کلیو کی اوسیږی.

له یوه تخمینی ځیرنی سره سم تقریبا دپنځه څلویښت زرو بزګرو اوشینوبلوځو ربړ اودکارقوت دځومحدودو بډایو کورنیو دتجملی ژوند لپاره استثماریږی. دامحلی متنفذین دسردارانو په نوم یادیږی. ددی محلی متنفیذینو کورنی لسوزرو تر څلویښتو زرو جریبو ځمکو پوری لری اودبزګرانو سلګو نه کورنی یی ترارادی او تسلط لاندی دی. اوپدی توګه دا کورنی دبلوځودزرګونو نارینه اوښځو بزګرانو په ژوند لوبی کوی دبلوځو محلی فیوډالان، له هرراز مادی نعمتو نو برخورداردی، مهتران لری، نوکران لری، بادی او بښان لری، نوکران او چاکران لری، حاضرباشان لری، د سړلی بار او بښکار موترونه لری، جګی کلاوی او مضبوط برجونه ... لنډه دا هغه څه چه ټول بلوځ خلک یی نلری، دنیمروز دولایت څوتنه ستر محلی ملاکان او فیئودال لری.

تر کومه ځایه چه مورږ اطلاعات لرو بلوځو محلی متنفذین، پخپلو سمو کښی دنامحدوده سیاسی قدرت خوندان دی، رعایا هیڅکله یی ددوی له اجازی نه حکومت ته عرض نشی کولای، دوی د دهقانانو دجنسمی ربړولو حق ځانته بالکل ثابت بولی، دوی پردموکراتیکو حقوقو او آزادیو ځانه خبروی.

داساسی قانون دموکراتیک ارزښتونه دبلوځوپه سیمه کښی لاتراوسه له قوی نه فعل ته ندی راغلی. ددی سیمو حکومتی مامورین یوازی دهمدی سردارانو ګټی ساتی اودبلوځو دمحلی متنفذینو او سترو ملا کانو په منګولو کښی ښکیل دی.

وژونکی فقر 'شدید استثمار ناپایه رنځونه، ظلم اوتجاوز، بیسوادی، جهل او طبقاتی ستم دبلوځو دخلکو دکورنی دیر پخوانی میلمانه دی.

که څه هم زمونږ د وطنوالو بلوځو سیمه ډیره پراخه ده، حاصل خیزه خاوره لری او د خاشرود هیلمند او فراه رود سیندونو یی د بیا بانونو له سیمی نه تیریژی، مګر د زړو فیوډالی تولیدی مناسباتو د تسلط له کبله او د بلوځو خلکو د رفاه او نیکمرغی سره د افغانستان د حکومت د بی علاقګی په وجه، هرکال د بلوځو د کروندو یوه برخه دسیندو نودطغیان په موده کښی تراوبولاندی کیږی، اوپدی سبب دی خلکوته درانه تاوانونه ور اوړی اودبزګرانو په سلګونو کورنی دربدره اوبی ټاټو بی کیږی.

د دی حقائقو د درک په وجه او د بلوځو خلکو دژوند دسر سختو واقعیتونو په رنا کښی کیدی شی دافغانستان دخلکو ددموکراتیک اونجات بخشونکی مرام په صحت یوه شو، اوښکاره ادعاوکړو چه دافغانستان دخلکو عالیه مصالح اوبالتبع دبلوځو خلکو ګټی ایجابوی چه ژر ترژره دی په هیواد کښی زاړه او وراسته تولیدی مناسبات مادی نعمتونو چخه برخورداری، مهتران لری، کموندونه لری، بادی اوبنان لری، نوکران او چاکران لری، حاضرباشان لری، دسپرلی، باراو بښکار موترونه لری، جګی کلاوی او مضبوطه برجونه ...زاړه اووارسته تولیدی مناسبات بدل شی، اواراضی ژور اصلاحات دی بی له ځنډه دبزګرانو له خوا پخپله دبزګرانو په ګټه تحقق پیدا کړی، دبلوځو پر ګنی چه بی له شکه دافغان ملت او خلکو پیاوړی مادی اومعنوی قدرت دی، باید د استبداداوارتجاع له خونړیو منګولو څخه آزاد شی. اویوازی له همدی لاری کیدای شی زمونږ په ګران وطن افغانستان کښی دسترو کیفی تحولاتو مادی اوکلتوری پایی ودریږی.

بریالی دوی دافغانستان دبلوځو اوټولو ورونو خلکو ټینګ ملی پیوستون.

(دلومړی مخ پاتی)

## د بشر د حقوقو...

کاراخلی، بلکه دخپل تیری کونوونکی داخلی تبعیضی سیاست په دوام، دنورو هیوادونو په داخلی چارو کی هم لاسوهنی.

هر کله اوهر ځیری چه دآزادی غوښتنی آواز جګ شویدی بین المللی امپریالیزم ورځغلید لی او په سلها وواوزرها ووآزادی غوښتوونکی یی خا ورواوینو لړلی دی.

هغه ظالمانه جګړی چه امپریالیستی انحصارات یی په ویتنام کی پرمخ بیایی، په حقیقت کی دبشرد حقوقو داعلامیی اودملګرو ملتو دمنشور اودټولو بشری، اخلاقی اووجدانی اصولو پرضد یوه جګړه ده. داجګړه دهغه ملت پرضد کیږی کوم چه د ژوند حق، دآزادی حق اود نیکمرغی د تعقیب حق غواړی.

د بشر دحقوقو داعلا میی سرنوشت په ګردو سرمایه داری هیوادنو کی تر امریکاښه ندی.

امپریالیستی انحصارات دخپلو فاشیستی ډول دیکتاتوریو په وسیله «لزبن»نه تر«آتن»پوری عملاً ددموکراتیکو حقوقو او آزادیو پرضد را پاسیدلی دی.

په جنوبی افریقا اوردیشیا کی دسپین پوستو اقلیتونو فاشیستی دیکتاتور ریو د بین المللی امپریالیزم د مالی، نظامی او سیاسی مرستو په ملاتړ دغیر اروپایی خلکو ستر اکثریتونه له ډیرو لومړنیو حقوقو اود آزادیو نه محروم کړی او آزادی غوښتونکی په ډیره وحشیانه توګه په دار خیږ وی. د فلسطین سل ګونه زره عربی مهاجرین دامپریالیزم د توطئی په اثر دهیواد دلرلو له حق، له محروم شوی اوله شلکوله را پدیخوا خپل وطن ته دبیرته ګرزید وپه هیله، به نهایی بدمرغی اوفقرکی دسوځونکو دښتو په زړه کی تر خیمو لاندی ژوند کوی.

خپل هیواد ته به راو ګرزو:

زمونږ هیواد هم دبشردحقوقو اعلامیه لاسلیک کړیده اوهمدا سږ کال دبشردحقوقو په کنفرانس کی دافغانستان نماینده، دبشر دحقوقو داعلامیی په هکله خپله پابندی یو ځل بیا اعلان کړه. مګر کله چهدهیواد د حاکمه محافلو عمل ته وکتل شی، دلته نه یوازی دبشر دحقوقو د اعلامیی دموادو دتطبیق په لاره کی موثر اقدامات ندی شوی بلکه په دیرو مواردو کی پرله پسی دهغو پرضد عمل شویدی. بی محکمی حبسونه، د تړلیو دروازو ترشا محکمی، د انسانی کرامت په خلاف ربړول او وهل، د افرادو دحقوقو غبصول اودهغوی د آزادیو اختناق، زمونږ په هیواد کی دحکمرانی معمولی شیوه ده.

په دی کال کی چه دبشر دحقوقو کال بلل شویدی، دهیواد سلګونه کارګران دجرم له اثبات نه پرته، یوازی به سوله ایزو اوقانونی اعتصابونو او مظاهرو کی، د صنفی غوښتنو په خاطر، دګډون به ګناه درازراز دسائسو سره مخامخ او له کاره وایستل شول اوځنی لابندیخانو ته لویدل.

کار فرمایان اوتاجر پیشه دلال سوداګران دحکومت دعمالو په مرسته د بوهو وطنپالو کارګرانو پرضد دسیسی جوړوی اوهغوی د«بدنامولو» لپاره زمینه برابروی.

په هیواد کی سیاسی ګوندونو صنفی اتحادیی او سندیکاوی وجود نلری. دفکر اوبیان دآزادیو او همدا راز دنوروآزادیو په مقابل کی سترخندونه اچول کیږی.

سره له دی چه په اساسی قانون کی دهیداد ټول اتباع (ښځی اونارینه) مساوی حقوق لری، مګر عملاً دژوند په ټولو اقتصادی اواجتماعی ځانکی دښځی اونارینه تر مینځ زیات تبعیضونه شته دی، اود حقوقو دتساوی په برخه کی داټول تبلیغات له عوام فریبی نه پرته بل شی ندی.

که څه هم داساسی قانون له نظر دهیواد په سیاسی ژوند کی ګډون دهر افغان وګړی وظیفه ده مګر دهیواد حاکمه ارتجاعی محافل د ضد دموکراتیکو قوانینو د وضع کولو له لاری وخلکو سترې دلی د اساسی قانون د مطروحه ارزښتو نو اودبشر حقوقو د اعلامیی په خلاف تر بیلو بیلو نومونو لاندی په سیاسی ژوند کی له ګډون نه منع کوی.

تر څو چه بشری ټولنه له اجتماعی لحاظ په ستمګرو اوستمکشو طبقو باندی ویشل شوی وی، ترڅو یوانسان حق ولری چه بی له کاره ژوند وکړی اودخپل خاص اجتماعی موفق پر بنا بل انسان استثمار کاندی، دبشر حقوق به له لفظ نه پرته بل معنی ونلری.

یوازی له یوه انسان نه دبل انسان داستثمار دمحو کولو له لاری کیدی شی دانسان له پاره تضمین شوی حقوق او آزادی تأمین شی.

خلیل زمر

# زندگی حمالان (جوالی‌ها)

## نمونه یی ازیک زندگی پر از محرومیت درکشورما

جوالی‌ها (حمالان) گروهی از زحمتکشان خلق نجیب ما بشمار می‌رود که کار سنگین و دشواری را انجام می‌دهند، ولی حیات سخت پر مشقت و دردناک دارند. از صبحگاهان تا هنگامی‌که شب فرا می‌رسد، در زیر آفتاب سوزنده تابستان و سردی طاقت‌فرسای زمستان، بار گرانی را به پشت حمل می‌نمایند و گاهی، هم انتظار کشنده‌یی را متحمل می‌شوند تاکسی فرا رسد و از ایشان بخواهد که بارش را حمل کنند. اکثر این‌ها بیش از یک وزن معین و حتی بعضاً بالا تراز طاقت وتوان را حمل می‌نمایند.

حمل بار به پشت انسان امری بس دشوار و در عین حال ننگ جامعه طبقاتی، لکه‌یی بر روی طبقات استثمارگر و مفتخوار جامعه ماست. با وصف تحمل این همه مشقت‌ها که پشت شان در زیر بار واقعاً خم می‌گردد، حمالان عایدی را که روزانه (در صورت پیدا شدن کار) بدست می‌آورند، به حدی قلیل است که به آن حتی مصرف نان خشک خود و خانواده راهم تأمین کرده نمی‌توانند.

عاید فوق‌العاده ناچیز حمالان اجازه به کرایه گرفتن منزل مستقلی را به آن‌ها نمی‌دهند. مجبور اند که فقط یک اتاق نمناک سیاه، دودزده و پر از انواع خزنده‌ها را با کاستن از مصرف نان خالی و چای تلخ، که غذای همیشگی‌شان را تشکیل می‌دهد، به کرایه گیرند و یا با قبول شرایط مشکلی، بعضاً در برابر انجام بردهوار چندین تن از اعضای خانواده خود برای صاحب منزل چنین یک اتاقی را بدست اروند و سرپناه خود بسازند.

این وضع فلاکتبار زندگی، فقر غذایی و کار کمر شکن که آهسته‌آهسته قوای آن‌ها را به تحلیل می‌برد، باعث آن می‌گردد که این انسان‌های شریف و زحمتکش همیشه علیل و رنجور بوده، عمر طبیعی‌شان کوتاه شود و با در گذشت خود، عایله و اولاد بی‌پناه و بی‌کس را خود تنها و لاتکلیف گذارند.

وضع ناگوار کودکان این انسان‌های زحمتکش با بدن‌های لاغر، چهره‌های رنگ پریده، زرد و عاری از طراوت و هرگونه شور و شوق طبیعی آن‌ها رقتبار و تکاندهنده است. هیچگونه امکاناتی برای تحصیل آن‌ها میسر نیست، مجبورند از همان اوان کودکی بکار بپردازند تا مددگار پدر قبل از وقت پیر و بیچاره خود، برای تأمین مصارف بخورونمیر زندگی گردند.

برای کسی که ندیده باشد غیرقابل تصور خواهد بود که لباس‌های کهنه و ژولیده جوالی‌ها به حدی وصله روی وصله می‌خورد که اصلاً ماهیت و رنگ اولی خود را از دست می‌دهد.

فرارسیدن فصل زمستان مصیبت دیگری بالای بدبختی‌های‌شان اضافه می‌نماید. از یکسو لباس و لحاف گرم چوب و ذغال ندارند و از سوی دیگر برای‌شان کار کافی پیدا نمی‌شود. افزایش نفوذ در دهات، بیکاری، قلت عواید، شرایط بسیار بد زندگی، ظلم و ستمگری ارباب نفوذ، بخصوص در مناطق کوهستانی کشور خانواده‌های زیادی از اقوام مختلف را مجبور می‌سازد که محل و مأوای خود را ترک دهند و به شهرها رجوع کنند، در شهرها نیز کار مناسبی نمی‌یابند و بهبود در زندگی‌شان رونما نمی‌گردد بنا بر آن ناگزیر اند که جوالی گری (حمالی) کنند. بدین ترتیب از نیروی کار این گروه بزرگ زحمتکشان آماده و مستعد بکار، در امور تولیدی استفاده به عمل نمی‌آید. قرار تخمینات ابتدائی به‌تنهایی در شهر کابل شش فیصد نفوس آن را جوالی‌ها با خانواده‌های‌شان تشکیل می‌دهد، که سی هزار نفر می‌شود.

تعدادی از جوالی‌ها که ابتدایی‌ترین وسیله حمل‌ونقل، کراچی دستی را در اختیار دارند، ناهنجارترین وضع در برابر ایشان صورت می‌گیرد و پیوسته مشکلاتی برای‌شان تراشیده می‌شود. از عبور و مرور آن‌ها بروی جاده‌های عمومی (که این‌ها و سایر زحمتکشان با کار خود مصارف ساختمانی آن را پرداخته‌اند) بازداشته می‌شوند، تا آخرین مودل موترهای مفتخواران و سرباری‌های جامعه رفت‌وآمد نماید.

زندگی تلخ و دردناک حمالان (جوالی‌ها) در کنار زندگی‌های پر تجمل عده‌یی محدود از ثروتمندان نشان‌دهنده فاصله عمیق بین فقر و ثروت در کشور ماست.

از (ص ۲)

# خواست‌های عمده و مبرم...

هیچگونه اظهار نظری نکرد، درحالی‌که حکومت افغانستان موقف خود را در زمینه تائید نموده، بدین ترتیب آیا سیاست خارجی ایران در قطب مخالف کشورهای بی‌طرف آسیا افریقا و من‌جمله افغانستان و بخصوص جنبش‌های مترقی و ملی قرار ندارد؟

- آیا غول‌های انحصارات امپریالیستی و کمپرادورهای ایرانی در صنایع ایران تسلط ندارند؟

ــ آیا توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی بین دو کشور مانع رشد صنایع ملی کشور ما (که به‌صورت خجالت آور عقب مانده است و بنا بر اعتراف خود حکومت، افغانستان مواجه به رکود اقتصادی است) نمی‌گردد؟

خوانندگان گرامی لطفاً به مقالهء (از کیهان بین‌المللی انگلیسی) تحت عنوان «روابط تجارتی ایران و افغانستان توسعه پیدا می‌کند» منتشره در شماره ۴ شنبه ۸ عقرب ۱۳۴۷ روزنامه اصلاح مراجعه فرمایید، ما صرف یک نکتهء آن را من‌حیث نمونه خاطر نشان می‌سازیم:

در مقاله نامبرده گفته می‌شود که محصولات صنعتی ایران «در افغانستان بازار خوبی می‌داشته باشد...، ایران می‌تواند بعضی مواد خام را از افغانستان خریداری و پس از پختن دوباره صادر نماید.»

آقایان وطن خواهان و ملت خواهان خود (!) توجه خواهند فرمود که انحصارات خارجی در حیات اقتصادی ایران تسلط کامل دارند!

معهذا باید خاطر نشان ساخت که این تذکر به معنی آن نیست که ما مخالف بسط همکاری در رشته‌های اقتصادی و تجاری با خلق برادر خود ایران می‌باشیم. خیر به هیچ صورت! ولی ما طرفدار چنین روابطی در زمینه استیم که از یکسو زمینه رشد اقتصاد ملی و فرهنگ مترقی هردو کشور مساوی‌الحقوق افغانستان و ایران تدارک ببیند و از سوی دیگر خصلت استثماری نوین را نداشته باشد و وسیله استثمار خلق‌های کارگر هردو کشور و نفوذ امپریالیزم قرار نگیرد.

ــ سؤال مهم دیگر اینکه آیا درین روابط «جدید » اقتصادی، تجاری و ترانزیتی فی مابین افغانستان و ایران عنصر «اتحاد مقدس» و نقشه اختناق و تشدید و سرکوبی نهضت آزادی بخش ملی و دموکراتیک ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم خلق‌های افغانستان و ایران به‌صورت «ظریفانه» دخالت ندارد؟ از طرح این سؤال ما را عفو خواهند کرد (!) تجربه تاریخ تلخ و ناگوار است. تاریخ نمونه‌های فراوانی دارد. چه باید کرد؟ باید هوشیاری را از دست نداد. عنصر امکانات و احتمالات مقوله علمی است. بخصوص اینکه غول امپریالیزم و محافل ارتجاعی طبقات استثمار گر داخلی همواره دشمن عمده و مانع عمده‌ایست بر سر راه حل مسایل عمومی ملی که در برابر کشورهای ما قرار دارد.

تعجب آور تر اینکه بعضی تبصره‌های دیپلوماتیک راجع به محتوای نشرات جریده پرچم و فراکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق بگوش می‌رسد وهم وجود اختناق آزادی در ایران و توطئه روزمره جناح راست هیأت حاکمهء افغانستان علیه آزادی و دموکراسی باعث تشویش عمیق همبستگی ماست.

ـ بازهم یک سؤال بسیار مهم دیگر: افغانستان که بعد از سال ۱۳۳۴ من‌حیث یک نمونه بالنسبه «خوبی » برای جلب کشورهای کم رشد آسیائی، بخصوص کشورهای همجوار داخل پیمان‌های نظامی تجاوز کار به‌حساب می‌رفت، آیا اکنون مناسبات «جدید» ما را به جهت تجرید شدن از کشورهای مترقی و ملی و «نمونه» فعلی ایران نمی‌کشاند؟ پاسخ با این سؤال‌ها مبرهن و روشن است!

در خاتمه به بانگ رسا اعلام می‌داریم که رشد خود آگاهی طبقاتی و ملی توده‌های خلق افغانستان و ایران خصلت مشخص دوران کنونی تکامل اجتماعی هردو کشور است. هم اکنون نیروهای ترقی خواه و وطن‌پرست هردو کشور درراه سوق پیگیر جنبش ضد استبداد و ضد ارتجاع و دموکراتیک، ضد امپریالیستی و ضد فیودالی و ضد سرمایه‌داری کمپرادور بسر منزل نهائی آن مجدانه مبارزه می‌کنند و سرانجام خلق‌ها پیروز می‌گردند. درین صورت است که ما ایمان راسخ داریم که مناسبات واقعی و دوستی برادرانه مابین ملل افغانستان و ایران استحکام خواهد یافت و مسایل مربوط به ترقی و تکامل جامعه ء ما حل خواهد گردید، و خلق‌های هردو کشور از ظلم و ستم و استثمار و گرسنگی و فقر نجات خواهند یافت و ملل هردو کشور در مبارزه با امپریالیزم و به خاطر صلح و آزادی و استقلال ملی، دموکراسی، و ترقی اجتماعی، رفاه، امنیت و دوستی میان هم، چون برادرانی که در اعماق تاریخ فرهنگی و ایجاد جنبش‌های رهائی‌بخش ما، به خاطر آزادی و استقلال، در ژرفای کانون‌های تمدن عالی کهن ما، و در پرورش آن قهرمانان نامدار و فداکاری که بزرگترین افتخارات جاودانی وطن‌های گرامی ما می‌باشد، در تاریخ ماجراهای انقلابی اسلاف ما که پیوسته با نیروهای اهریمنی و دشمنان و جباران خونریز داخلی و خارجی دلیرانه و قهرمانانه پیکار عادلانه کرده‌اند به‌پیش خواهند رفت و پرچم صلح و دوستی بین‌الملل را سربلند نگاه خواهند داشت.

با در نظر داشت مطالب فوق بازهم ما امیدواریم که بنا بر مضمون و خصلت عمده دوران کنونی جهان، بر اساس ارادهء خلق‌های ما و بر اساس بسط و توسعه روزافزون مناسبات بین‌المللی طراز نوین که پایه‌های اصولی آن را صلح، تساوی حقوق، حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، احترام با استقلال و حاکمیت ملی، تشکیل می‌دهد و بر اساس اصل روز افزون و دیپلوماسی شرافتمندانه و بشردوستانه مترقی و نوین ضد اصول سیاست تجاوز کارانه امپریالیستی و در اخیر بر اساس تغیر نسبی سیاست خارجی ایران و موقف بالنسبه قابل اهمیت بین‌المللی افغانستان، مناسبات«جدید» افغان-ایران به نفع صلح، آزادی و تأمین استقلال ملی هردو کشور بیانجامد.

از (ص اول)

## نگاهی به پلاهای...

طرح «سومین پلان پنج‌ساله انکشاف اقتصادی واجتماعی افغانستان »مشهود می‌باشد. این پلان ازلحاظ آهنگ رشد اقتصادی واجتماعی وحجم سرمایه گذاری پیش‌بینی شده (با وصف اینکه قسمت زیاد آن عملی نیست) بانیازمندی های خلق افغانستان همآهنگی ندارد.

**باقی دارد**

پرچم تنها صدای مترقی و دموکراتیک افغانستان است

# پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان خپروونکی

۱۳ عقرب ۱۳۴۷


# رویدادهای مهم

## سیاسی جهان در هفتهٔ گذشته

**پیروزی جدید اتحاد شوروی**

قراری که آژانس‌های خبررسانی جهان اطلاع دادند اتحاد شوروی به تاریخ ۲۷ اکتوبر سفینه جدیدی را ذریعه یک راکت نیرومند به فضای خارجی فرستاد. این سفینه که بنام سیوز سوم یاد می‌شود از طرف کیهان نورد شوروی موسوم به گیورگی بریگوای سوق و اداره می‌شد.

کیهان نورد اتحاد شوروی قبل از پرواز به فضای خارجی طی بیانیه‌یی در میدان فضانوردی اظهار داشت: «تسخیر فضای خارجی موفقانه ادامه دارد... ایستگاه فضائی «وینوس ۴» و «زوند پنجم» پروازهای تاریخ سازی اجرا نمودند. پیروزی‌های جدید ساینس و تخنیک شوروی نتیجه تلاش خلاق و کار قهرمانانه خلق ماست. ما این پرواز را در آستان پنجاه و یک و نیم سالگره انقلاب اکتوبر اجرا می‌شود، به این تاریخ مهم اهدا می‌کنیم...من به کمیته مرکزی، حکومت شوروی و مردم شوروی اطمینان می‌دهم که تمام نیرو و معلومات خود را به اجرای وظایف پرمسئولیتی که به من اعتماد شده وقف نمایم. تا باز گشت دوباره به خاک خود.

دوستان عزیز!»

قرار معلوم سیوز سوم چندین بار به سفینه سیوز دوم که حامل انسانی نبود در فضا نزدیک ساخته شد.

«سیوز سوم» پس از چهار روز گردش دورادور زمین و اجرای وظایف محوله علمی، با تخنیک کاملاً جدید، بطور سالم در نقطه قبلاً تثبیت شده به زمین فرود آورده شد.

* * *

همچنان در اتحاد شوروی پنجاهمین سال تأسیس سازمان جوانان کمسمول با مراسم خاصی تجلیل گردید. سازمان کمسمول ۲۳ میلیون عضو دارد.

* * *

**در شرق میانه**

بعد از آنکه امریکا آمادگی خود را برای دادن طیارات جت جنگی و بمباردمان نوع (اف ۴) به اسرائیل اعلام نمود، اوضاع بحرانی شرق میانه در اثر تجاوزان مکرر و پیهم اسرائیل بیش‌ازپیش کسب وخامت نموده وامید پیدا شدن راه حل سیاسی برای بحرانات شرق میانه بازهم کمتر شده است.

توپخانه اسرائیل منطقه کانال سویز و دریای اردن را پیوسته تحت آتش می‌گیرد، طیارات اسرائیل به‌صورت تحریک آمیز بر قلمرو جمهوریت متحده عربی پرواز می‌نماید.

بعد ازین وعده امریکا جسارت اسرائیل به حدی زیاد شده که جنگ‌ها گوریلائی را در داخل خاک جمهوریت عربی متحد آغاز نموده و یک فابریکه برق و بند آبی را در وادی نیل بمبارد و خساراتی وارد کردند.

امپریالیزم از یک طرف می‌خواهد با دادن کمک به اسرائیل بحرانات شرق میانه را تشدید نماید تا توجه جهانیان و مردم امریکا را از جنگ ظالمانه ویتنام به‌سوی دیگری برگرداند، از جانب دیگر دموکرات‌ها (حزب بر سر اقتدار) مخواهند با تقویت مزید اسرائیل، یهودیان امریکایی را خوش ساخته در انتخابات ریاست جمهوری امریکا آراء آن‌ها را به طرفداری کاندید خویش کمایی نمایند.

* * *

**پراگ**

مردم چکوسلواکیا پنجاهمین سال استقلال خود را جشن گرفتند. دوبچک منشی اول حزب کمونیست چکوسلواکیا طی بیانیه‌ای که در یک اجتماع بزرگ ایراد نمود اظهار داشت: مبارزه مردم چکوسلواکیا علیه اشغالگران هتلری نمونه‌یی از یک مبارزه تاریخی جهان است.

دوبچک از نقش مهم سوسیالیزم در چکوسلواکیا یادآوری نموده گفت چکوسلواکیا کشور سوسیالیستی است و خواهد بود و در مقابل امپریالیزم، میلتاریزم و نازیزم پیگیرانه مبارزه خواهد کرد. دوبچک گفت که مردم چکوسلواکیا هرگز فراموش نخواهند کرد که عساکر برادر در زمان رهایی چکوسلوکی از تسلط هتلری جن‌های خود را از دست دادند و ما در کنار شوروی در راه انکشاف سوسیالیزم مبارزه خواهیم کرد.

# په ننګرهار کښی دپښتونستان دپاره مظاهره

**د چهارشنبی په ورځ د عقرب په اتمه د ننګرهار د پوهنتون محصلانو د شاګردانو، د جلال آباد د بنارپانو او کسب ګرو په ګډون د پښتونستان د خلکو و ملی ضد استعماری او ضدامپریالیستی نهضت په ملاتړ کی ستره مظاهره وکړله.**

**مظاهره د سهار په شپږ بجو د ننګرهار پوهنتون څخه شروع شوه او د جلال آباد د بنار خواته و خوزیده.**

**د مظاهری په مسیر کی د پوهنی زیاد شمیر شاګردان، کارګران او کسب ګر له مظاهره سره یوځای شول. کله چه مظاهره د جلال آباد بنار ته ورسیده د خلکو له خوائی تود هرکلی وشو او خاص عظمت یی پیداکړ.**

**په دغه مظاهری کی چه د غرمی نه ورسته تر یوه نیمی بجی پوری یی دوام کړ ویناوی اوشوی او تاوده شعرونه ولوستل شول.**

**د مظاهری شعارونه دا وو:**

**ـ فیودالیزم، ارتجاع، استثمار او امپریالیزم د خلکو عمده دښمنان دی.**

**ـ مونږ د پښتونستان موقتی حکومت غواړو.**

**- ژوندی دی وی د پښتونستان ملی مجاهد خان عبدالغفار خان او نورو مترقی او واقعی لیډران.**

**- بریالی دی وی د تولی نړی ملی آزادی ببنون کی او مترقی نهضتونه!**

## د کندهار په بنار کی د عقرب

### د دریمی ورځی د لمنځنی له پاره مظاهره وشوه

د پرچم خبریال له کندهار نه خبر راکوی چه دعقرب په دریمه ورځپه کندهار کښی د خلکو د موکراتیک ترقی غوښتونکو قوتونو اوملی عناصر و له خواه ستره اوبی ساری مظاهره وشوه. مظاهره د سهار په شپږ بجو اوپنځه ځلو یشت دقیقو دکندهار په (چارسوق) کښی دمظاهری دپلاتفارم اویو شعر له لو ستونه وروسته شروع شوه او د شهیدانو یر مزار دیو لړویناوو او اشعارو پر اورولو پسی دتوپخانی دواټ له لاری دعیدګاه جادی ته ورسیده اوبیا د کندهار د ارګ دروازی ته مخامخ د ویناوو او اشعارو لوستل شروع شول.

وروسته د مظاهری څپی منزل باغ ته ورسیدلی اوهلته بیا دوینا وو ستیج جوړشو ’له دی نه پس مظاهره بیرته د ارګ د مخی نه د شهیدانو تر مزار ته راغبرګه شوه اوپه ۱۱ بجو او ۵۰ دقیقو د یوفیصله لیک په لوستلو پای تهورسیده.

خبروایی چه له دی مظاهره سره دکندهار دزیار استونکو اونورو خلکو زیات وکړی یوځای شول او د مظاهره کونکو شمیر یی زرګونو کسانو ته ورساوه. مظاهره کونکو دخلکو دموکراتیک شعارونه د زړه له کومی لوړول او د مظاهری پرتم اوجلال یی زیاتاوه. دکندهار بنار د لاندی نیو شعارونو تر هیبت لاندی خورا در وند شوی اوګرم شوی وو:

ـ ځلاند دی وی دخلکو دموکراتیک پرچم.

ـ پیروز باد خاطره تابناک شهدای ۳ عقرب ’ شهداء راه آزادی و دموکراسی.

ـ مړ دی وی ظلم اواستبداد.

ـ مرګ برارتجاع سیاه واستعمار.

ـ ټینګ او کامیاب دی وی دمترقی عناصر و! اتحاد او یووالی!

ددی مظاهری دهستولو په ترڅ کی د کندهار بنار د افغانستان د نوی او مترقی مبارزی په ډګر کښی یو ځل بیا لوړ او اوچت موقف ونیو.

## په جلال آباد کی دعقرب د دریمی نیټی د شهیدانو

### خاطره ولمانځل شوه

له جلال آباد نه را رسیدلی خبر وایی چه دعقرب په دریمه نیټه د جلال آباد په بنار کی کارګرانو، محصلانو او شاګردانو د تولو زیار استونکو او دجلال آباد بنارپانو په ګډون دعقرب د دریمی نیټی د شهیدانو د خاطری د لمانځنی لپاره یوه شانداری مظاهره وکړه.

خبر وایی چه مظاهره دعقرب په دریمه ورځ د سهار په شپږ بجو د ننګرهار له پوهنتون څخه (درونتی ته نیږدی) راووته او د نسبتا اوږده منزل نه وروسته د جلال آباد بنارته ورسیدله.

مظاهره کونکوو تودو ویناو او اشعارو د لوستلو په ترڅ کی لاندینی شعارونه ورکړل:

ـ سرنګون باد استعمار، ارتجاع استبداد!

ـ مرګ بر امپریالیزم!

ـ مړه دی وی د سیاتو او سنتو پکتونه!

ـ بریالی دی وی د مترقی اوملی قوتونو اتحاد!

ـ ژوندی دی وی دعقرب د شهیدانو ځلانده خاطره!

ـ ژوندی دی وی دتولی نړی زیار ایستونکی خلک!

دغه مظاهره چه دخلکو د دموکراتیکو ترقی غوښتونکو قوتونو په لار ښوونه او د ملی عناصر و په اتحاد منځ ته راغلی وو یو دوو تنو ماجراجویو کسانو په کی د مداخلی کوشش وکړ، خو مظاهره کونکو اخلال گران ژر تر ژه تجرید او افشا کړل او مظاهره پخپل مطلوب مسیر کی پرمخ لاره.

مظاهره کونکی د روځی په یولس نیمو بجو د جلال آباد جامع جومات ته د فاتحی د مراسمو د په ځای کولو لپاره ننوتل اوهلته یی د پاچا خان د ورانـدی د پښتونستان د آزادی بخشونکی نهضت په تایید کی شعارونه ورکړل.

د مظاهره د روځی په یوه نیمه بجه د ګډون کونکو په ګرمو شعارونو اوناروکی پای ته ورسیده

از (ص اول)

## قطعنامه محصلان ...

طرزالعمل‌های مختلف تذکر رفته عملاً باعث کندی انکشاف علم و دانش در کشور می‌شود زیرا همیشه می‌توان از کلماتی مانند عدم گنجایش و طرزالعمل‌های مختلف و غیره مانع جذب بیشتر متعلمان اطراف و ولایات کشور در پوهنتون‌ها و معارف گردد لذا این مواد باید بر اساس ایجاد سهولت‌های بیشتر در جذب تعداد هرچه بیشتر شاگردان ولایات و اطراف مطابق اصل معارف متوازن قانون اساسی تعدیل گردد «تعلیم حق تمام افراد افغانستان است و به‌صورت مجانی از طرف دولت و اتباع افغانستان فراهم می‌شود...) ماده سی و چهارم.

- مواد سی و چهارم و سی و پنجم قانون پوهنتون‌ها «ماده سی و چهارم محصلان می‌توانند به فعالیت‌های ادبی هنری و ورزشی مشغول گردند. پروگرام‌های ادبی و هنری هیچ وقت مغایر به اساسات اسلامی و ثقافت ملی بوده نمی‌تواند. مطابق مقررات پوهنتون مباحث سیاسی جواز دارد. و ماده سی‌وپنج برای ایجاد فضای همکاری و تفاهم در بین محصلان و جهت استفاده علمی و عملی برای برقراری ارتباط در بین آن‌ها مطابق قانون جمیعت ها انجمن محصلین تأسیس شده می‌تواند» باید بر اساس روحیه عمومی قانون اساسی کشور و«فصل دوم »به شکل ذیل تعدیل گردد:

-ماده سی و چهارم: محصلان می‌توانند فعالیت‌ها و مباحثات علمی و معاونان پوهنځی‌ها و مؤسسات به پیشنهاد رئیس و موافقه شورای عالی بعد از طی مراحل قانونی عزل و یا مقرر می‌شوند.»

-به اساس مصوبهء ملل متحد در مورد حقوق اقلیت‌ها، باید تدریس در مناطق کشور به اساس تعداد اکثریت متکلمان، به زبان مادری صورت گیرد، ماده پنجم قانون معارف «زبان تدریسی در آن ولایاتی که اکثریت آن پشتو زبان‌اند به پشتو و در آن جایی که دری زبان‌اند به دری می‌باشد» درنتیجه تذکر داده می‌شود که:

به اساس ماده سی و دوم قانون اساسی کشور به‌عنوان اعتراض علیه قانون ضد دموکراتیک پوهنتون‌ها و معارف از چندی به این‌طرف در حالت...

می‌توانند به فعالیت‌ها و مباحثات سیاسی بپردازند که مناقض ارزش‌های مندرج قانون اساسی نباشد.

-ماده سی و پنجم: برای استفاده بهتر از ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی محصلان می‌توانند به تشکیل اتحادیه محصلان بپردازند.

-به استناد دیباچه قانون اساسی که تعمیم دموکراسی را از وظایف دولت می‌داند باید کرسی‌های علمی پوهنتون به اساس کانکور به محصلان لایق تعلق بگیرد «بعد از فراغت.» ماده سی‌وهشت، اعضای و معارف از چندی به این‌طرف در حالت اعتصاب عمومی در ساحهء پوهنتون به سر می‌بریم اعتراضات جدی و شدید محصلان ضمن این اعتراضیه به پرلمان و ستر محکمه «ازلحاظ درک مسؤولیت شان در زمینه» ابلاغ گردید و مجدانه تا روز دوشنبه سیزده عقرب ۴۷ انتظار پاسخ قناعت بخش را می‌بریم و هرگاه با بی‌اعتنائی به آن برخورد گردد عواقب ناگوار آن بدوش طبقات حاکمه ارتجاعی افغانستان خواهد بود.

**«محصلان پوهنتون کابل»**

## زندانی ساختن خود سرانه عده‌یی از اهالی پغمان

**پرچم در شماره هفتم اسد سال جاری خود خبری را زیر عنوان «فرهاد اعتراض دهقانان ولسوالی پغمان »نشر گردد. متأسفانه خبر تاره می‌رساند که دستگاه حاکمه علی رغم اصول دموکراتیک قانون اساسی کشور، یک عده از دهاقین مذکور را زندانی ساخته است.**

**افکار عامه مردم علیه این رویه ضد قانونی و غیر دموکراتیک عمالی حکومتی اعتراض نموده و عاملین این گونه خود سری‌ها را مسئول حقیقی عواقب وخیم آن می‌داند.**

از (ص ۲)

## آزادی...

نژادی، منطقه‌ی و مذهبی و گاهی قومی و لسانی را دامن زده و حاد ساخته‌اند تا خود به تأسی ازین اصل مشهور استعماری و نسخهء کهنه برای شیوه اداره استعماری و استبدادی که «تفرقه بیانداز و حکومت کن» از بیداری شعور مردم جلوگیری کرده و بقای خود و طبقات ارتجاعی را که از آن نمایندگی کرده‌اند، تأمین نمایند.

با تأسف باید گفت که لسان‌های ملی و محلی در افغانستان نه تنها پرورش داده نشده است، بلکه به وسایل گوناگونی در برابر فریاد آزادی خواهانهء مردم مبتنی برداشتن حق آزادی تکلم، نشرات، آموزش و دادخواهی به زبان مادری خود از طرف طبقات محافل و عناصر مرتجع شدت عمل نشان داده شده و گنجینه‌های پربهای ادب و فلکلور مردم مورد تعرض و تباهی قرار گرفته است.

به‌منظور اینکه اهمیت نقش و ارزش آزادی لسان که در ترقی و توسعه فرهنگ و بیداری مردم مؤثر می‌باشد، نشان داده شود حقایق را به‌طور مثال مطرح می‌نماید:

همه میدانیم که متأسفانه اکثریت قریب به تمام مردم بی‌سوادند، پس چطور توده‌های مردم از نشرات رادیویی که به زبان‌های غیر از زبان خودشان باشد می‌توانند استفاده نمایند و یا از مطالب نشراتی که به زبان خودشان باشد تحریر نیافته از طریق باسوادان به‌درستی مطلع گردند.

آموزشی که به زبان مادری اطفال صورت نگیرد، مجبوراند که با صرف چندین سال وقت لسان دیگری را بیاموزند و بعداً قادر گردند، مطالب و مفاهیم علمی را فرا گیرند که این امر باعث عقب ماندگی سطح شعور و ذهن آنان می‌گردد، درحالی‌که در لسان خودی با سرعت و عمق بیشتر می‌توانند وظیفه آموزشی خود را انجام دهند.

قضیه مشخصی را که در یکی از محاکم مطرح باشد در نظر گیریم: متهم که اصلاً لسان‌های معمول در محکمه را نداند چطور می‌تواند از خود دفاع نماید و احیاناً بی‌گناهی خود را به اثبات رساند، درین صورت بناً حق فرمان حکومت وی صادر خواهد شد.

حقایق نشان می‌دهد که به مشکل می‌توان لسان را بر مردم تحمیل کرد، برعکس آنکه کوته نظران و ملت پروران دروغین ادعا می‌نمایند این امر باعث انکشاف و غنای لسان نمی‌گردد، بلکه یک زمان را با کار جدی از طریق تألیفات و تراجم آثار مترقی و علمی، تعمیم وسیع آن در میان متکلمین مربوطه، نوآوری‌های معقول و بجا و وارد آوردن اصلاحات در آن می‌توان بسط و انکشاف داد، بدون اینکه در برابر السنه دیگر حساسیت نشان داد و یا آن را محترم نشمرد.

ما معتقدیم که باید در برابر تمام لسان‌های افغانستان، از کوچک تا بزرگ برخورد علمی و عاقلانه صورت گیرد، کلیهء آن‌ها رشد و انکشاف داده شده و احیا گردد. آزادی تکلم، آموزش، نشرات، مکاتبات، دفاع و غیره علی سویه برای تمام لسان‌ها تأمین گردد.

وطن پرستان ترقی خواه دموکراتیک خلق افغانستان بر آنند که در جامعه نوین و مترقی کشور حل دموکراتیک و اساسی، قاطع و علمی مسأله لسان‌ها امکان پذیر خواهد بود.

## ژړندو کی یتیم

**دا ببر سری اوپسی لو حسی ما شوم**
**ولی په دی قبر باندی ژاړی؟**
**دامړی دده څه کیږی؟**
**ولی دی په داسی چا ژاړی چه دده**
**دزاریو خواب نه ورکوی اومهربانی**
**نشی پی کولای؟**
**داژوندی خلک ولی دده اوښکی ته**
**پاکوی او سمه لار نه وربښیی؟**

* * *

**دی خپل در دونکی اوله بد مرغیو**
**ډک مستقبل ته ژاړی. دی پوهیږی**
**چه وروسته تردی داسی څوک نلری**
**چه دده په سر د زړه سوی او**
**همدردی لاس را و نارۍ, داسی**
**سرلی ته چه ده ته دمینی او مهربانی**
**په نظر و ګوری او داسی سړی نه**
**پیدا کیږی چه دی ته زوی او بچی**
**ووایی.**
**دی باید یتیمی ته تن کیږدی او لکه**
**خو رویه بویی د وحشی طبیعت او**
**بیدرده تولنی هر راز کړا وو نه او**
**جفاوی وکالی.**
**دی باید وړی تړی او بی تعلیمه لوی**
**شی، د نورو د کرم سیوری لاندی**
**ژوند وکړی او هیڅ ځانګړی حیثیت**
**پیدا نکړی.**
**دی سهمجنی او پخوانی هدیره. په**
**سخت او ریږونکی ژوند کی ,دده د**
**دفاع او ساتنی یوازینی سنګر ډوب**
**کړیدی.**
**دی د خپلی ورانی دنیاکی د نجات**
**لپاره هیڅ حوا خوږی او مرستیال**
**نلری ,نو ځکه ژاړی او د اوښکو له**
**کارون نه چه د بد مرغیو او غمو نو**
**د شپو یوازینی ملګری دی، مرسته**
**غواړی.**

***

**ګرانه, له دی خایه لری شه! دا د**
**مرګ او نیستی لومړی پراو دی, دا**
**دورکی او هیری خواته د مسا پرو**
**لارده, اودا د انسان دهستی او ژوند**
**وروستی پوله ده.**
**لری شه ,لری شه! ددی زړی او**
**ورجنی هدیری سوروړم ستا په**
**ماشومه او تاندی هستی باندی ,بده**
**اغیږی کوی.**
**راځه راځه زړه سره چه ددی لارده**
**,او دا انسان دهستی او ژوند**
**وروستی پو له ده.**
**لری شه ,لری شه! ددی زړی او**
**ویر جنی هد یری سړوړم ستا په ما**
**شومه اوتانده هستی باندی ۲ بده**
**اغیږ ی کوی.**
**راځه، راځه د زړه چه ددی لوګجن**
**بنار تیارو کوڅو او لندو جونګړو ته**
**ور وګرزو او پدی ویرانو کی دخپل**
**مراد خزانه و لټوو.**
**راځه چه دهغو زلزلو مزی وخو ځوو**
**چه دا ورانی او یجاړی کوڅی او دا**
**زړی هدیری په بل مخ واړ وی او**
**هغه مړی او هغه ژوندوی مړی را پا**
**ځوی چه کولای شی ستا د او ښکو**
**کاروان و دروی او ستا د ژوند ستو**
**ما نونکی مزلونه آسان کاندی.**
**(سپنتا)**


**پرچم**
**هر دوشنبه خپریږی**
**دامتیاز خاوند او مسوءول مدیر:**
**سلیمان لایق**
**آدرس: غوثی مارکیت. محمد جان خان واټ**
**کابل ـ افغانستان**
**دتیلفون لمبر: ۲۳۱۶۴**
**دیوی ګنی بیه: ۲/۵۰ ـافغانی**

تایپ متن میر کامور، ویرایش: عمر فیض

**مطبعه دولتی**